

شهید حاج حسین خرازی

عاشق

فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین

مریم ریاضی

لبخندی ملیح و دوست‌داشتنی بر لب، و بسیاری از اوقات در خود فرو می‌رود. از این‌رو در جریان تأسیس اسلحه‌خانه‌ای در کمیته دفاع شهری که بعداً سپاه پاسداران اصفهان نام گرفت حسین فرد مورد اعتمادی است که مسئولیت اداره آن نیز به او واگذار می‌شود و بدین‌سان او کار نظامی را از پایین‌ترین رده شروع کرده، و به زودی با توجه به آموخته‌های قبلی دوران سربازی، از همان آغاز کار، یک سر و گردن از دیگران فاصله می‌گیرد. در اواسط بهمن ماه سال ۱۳۵۸ که توطئه‌های چپ ضد انقلاب در گنبد و ترکمن صحرا اقدام قاطع و انقلابی نیروهای خط امام در خنثی سازی این توطئه را طلب می‌کند. از استان اصفهان حدود یکصد نفر از پاسداران جان بر کف از جمله حسین به منطقه اعزام می‌شوند و حسین به واسطه تسلط بر استفاده از ادوات مختلف و خصلت‌های ذاتی خود فرماندهی درگیری با ضد انقلاب در شمال شهر در محدوده دانشسرا را می‌پذیرد او با فرماندهی صحیح بر نیروهای تحت امر خود شمال منطقه درگیری را تأمین می‌نماید.

آثار هوش و ذکاوت در وجود او هویدا بود به طوری که در انجام امور مربوطه به خود نوعاً از استعداد و نبوغ خاصی برخوردار بود. پس از اخذ دیپلم در آستانه سال ۱۳۵۵ به سربازی می‌رود. لیکن با اوج‌گیری انقلاب در سال ۱۳۵۷ به دنبال فرمان امام خمینی(ره) مبنی بر فرار سربازان از پادگان‌ها به سیل خروشان مردم پیوسته، در کلیه فعالیت‌های انقلابی و مردمی شرکت می‌کند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی حاج حسین با عضویت در کمیته دفاع شهری اصفهان، در درگیری با ضد انقلاب منطقه، دستگیری عناصر ساواک و عمال حکومت نظامی شاه، حراست از جایگاه‌های حساس شهر، نقش مستقیم و فعالی را ایفا می‌نماید. او دوران اصلی خودسازی‌اش را در شش ماهه اول انقلاب به پایان می‌برد. با چهره‌ای معصوم و سر به زیر، پیوسته با قرآن مانوس است. بی سر و صدا، کم حرف، با



ستاد
شهید

بیتدیشیم

در طول تاریخ شکوهمند انقلاب اسلامی همیشه رادمردانی بوده‌اند که چون ستارگانی درخشان فرا راه دیگران و همچون شمع سوزان و روشنی‌بخش محفل انس یاران و اصحاب انقلاب بوده‌اند آنان به مصداق آیه شریفه «والسابقون السابقون» در تمامی عرصه‌ها و صحنه‌های امتحان و تمامی میادین فداکاری و ایثار حضوری چشمگیر داشته و گوی سبقت را در اخلاص، شجاعت، ایثار از دیگر هم‌زمان ربوده و میادین عزت و شرف را در نور دیده و هزار قلعه عشق را فتح نموده بودند آنان به اوج سعادت دست یافتند و اکنون ما مانده‌ایم و راهی دراز و وظیفه‌ای سنگین!

یکی از آن ستارگان، سردار شهید حاج حسین خرازی می‌باشد که امید است با مطالعه زندگی و سیره آن عزیز به وظیفه سنگین و خطیر خویش واقف گردیده و ادامه‌دهندگان راه آن بزرگواران باشیم.

زندگی‌نامه شهید

در سال ۱۳۳۶ در خانواده‌ای مذهبی، متدین و اصیل در یکی از محله‌های قدیمی شهر اصفهان دیده به جهان گشود. از همان کودکی



شهید و جبهه

حاج حسین در دورانی که توفیق درک جبهه را داشت همیشه مرد خط مقدم بود. فرماندهی بر قلب‌ها خصلت مهمی بود که حاج حسین از حفظ و حاکمیت ارزش‌های اسلامی در وجود خود به دست آورده بود و حضوری عاشقانه در صحنه‌های نبرد از او اسطوره‌ای بزرگ ساخته بود و با کلام خود که برگرفته از آیات قرآن بود، زمینه روحی برای پیروزی در صحنه‌های نبرد را برای نیروهای تحت امر خود فراهم می‌کرد. بسیاری از مواقع نیروهای عادی بسیجی با او برخورد می‌کردند و بدون این‌که او را بشناسند با او به صحبت می‌نشستند و حتی از فرمانده لشکر می‌گفتند حضور همیشگی در بین نیروها و جلوتر از همه به خط دشمن هجوم بردن، باعث شده بود که این روحیه در تمام بچه‌های لشکر تأثیرگذار شود.

با شهادت حسین لشکر در ماتم و عزاء، سیاهپوش گردید. حاج حسین را بعد از عزاداری مفصل و سخنان آقا رحیم (سردار صفوی) با آمبولانس به اصفهان منتقل کردند. در اصفهان تشییع جنازه بی‌نظیری از حسین و یکصد نفر دیگر از یاران شهید به عمل آمد. حاج حسین را در تکیه شهید، قطعه‌ای که شهدای عملیات کربلای پنج را در آن به خاک سپرده‌اند، درست در محلی که در آخرین سفر، آن را نشان داده و خواسته بود او را نیز آنجا دفن کنند، به خاک سپرده شد.

چند روز پس از پایان عملیات کربلای پنج، عراقی‌ها پاتک سنگینی را در سلمچه آغاز می‌کنند، در جریان دفع حملات گسترده

آن‌ها، چند نفر از افسران دشمن به اسارت رزمندگان اسلام درمی‌آیند. یکی از اسرا در بازجویی اولیه که در خط دوم نهر جاسم از او به عمل می‌آید می‌گوید: «در جبهه ما، جشن گرفته‌اند زیرا به رده‌های مختلف از طریق بی‌سیم گفته‌اند که یکی از فرماندهان بزرگ ایران کشته شده است.»

آری، این خبر مربوط به حسین خرازی فرمانده دلاور لشکر امام حسین (ع) است. فرمانده جوانی که حتی تا پایان، افتخار تک‌تیرانداز بودن در خط مقدم را از دست نداد و روح بلند او فرماندهان بزرگی را تقدیم جبهه اسلام کرد. آری این همان حسین است که در عملیات طریق‌القدس، هنگامی که به اتفاق دیگر یاوران حضرت امام (ع) خود را به تنگه چزابه می‌رساند، در کنار خاکریز، در سجده استغاثه می‌کند، اشک می‌ریزد و ملتسمانه از خدا طلب کمک می‌کند تا منطقه تامین شده از نفوذ دشمن حفظ شود و هم اوست که زیر شدیدترین آتش خشم دشمن، علیه آن‌ها چون شیر غزائی می‌جنگد و با هدایت خوب خود به صد درصد اهداف عملیات نیز دست می‌یابد او از یک سو در برابر خدا، بنده‌ای خاضع و ناچیز است و از سوی دیگر در مقابل دشمن به مثابه مظهر اسم جبار خداوند ظاهر می‌شود.

شهید در کلام مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

بسم الله الرحمن الرحيم

«سردار شهید اسلام و پرچمدار جهاد و شهادت برادر شهید حاج حسین خرازی به لقاء الله شتافت و با ذخیره‌ای از ایمان و تقوی و جهاد و تلاش شبانه‌روزی برای خدا

و نبرد بی‌امان با دشمنان خدا، در آسمان شهادت پرواز کرد و بر آستان رحمت الهی فرود آمد. او که در طول ۶ سال جنگ، قلعه‌هایی از افتخار و شرف را فتح کرده بود اینک به قلعه رفیع شهادت دست یافته است و او که هل من ناصر حسین زمان را به همه وجود لبیک گفته بود، اکنون به زیارت مولایش امام حسین (ع) نائل آمده است و او که در جمع یاران لشکر سرافراز امام حسین (ع) عاشقانه به سوی دیار محبوب می‌تاخت پیش از دیگر یاران به منزل رسیده و به فوز دیدار نائل آمده است، آری او پاداش جهاد صادقانه و مخلصانه خود را اکنون گرفته و با نوشیدن جام شهادت سبکبالان در جمع شهدا و صالحین درآمده است...

برادر شما سیدعلی خامنه‌ای

رئیس‌جمهوری اسلامی ایران
۶۵/۱۲/۱۰

منبع
کتاب شور عاشقی با اندک تصرف و تلخیص

